

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عقاید خاصه شیعه

کرایش فقه و اصول

درس ۳

استاد: حجت الاسلام والمسلمین طبسی

آموزشیار: آقای کارگر

مقدمه:

شفاعت به عنوان یکی از آموزه‌های دینی، از جایگاه ویژه‌ای در اسلام برخوردار است. مسأله شفاعت مورد اتفاق فرقه‌های مختلف مسلمانان می‌باشد و اختلافات موجود در این حوزه، بیشتر ناظر به حد و مزرهای آن است. در واقع شفاعت نه تشویق به گناه است و نه عامل عقب افتادگی؛ بلکه یک مسئله مهم تربیتی است که از جهات گوناگون آثار مثبت و ارزنده‌ای دارد.

شفاعت به مفهوم صحیح کلمه، به افراد آلوده هشدار می‌دهد که تمام پل‌های پشت سر خود را ویران نکنند، و تمام خطوط ارتباطی را با اولیاء... قطع نمایند. و چنانچه آلوده به گناهی شدند مأیوس نشوند و در هر جایگاهی هستند بازگشت را شروع کرده و به استقبال رحمت و اسعه‌ی الهی بشتابند.

معتقدین به آموزه‌ی شفاعت بر این مقوله پافشاری کرده و آنرا از دیدگاه قرآن کریم، اصلی انکار ناپذیر دانسته‌اند. و علاوه بر استناد به برخی آیات قرآن کریم، به روایات بی‌شماری نیز تمسک جسته‌اند. مطابق برخی آیات هیچ‌کس بدون اذن باری تعالی شفاعت نخواهد کرد، و تنها گروهی می‌توانند شفاعت کنند که خداوند به آنها وعده داده و با خدا چنین پیمانی داشته باشد.

با نظر به آیات و روایات، و با توجه به سنت جاری میان مسلمانان در تمامی دوران‌ها، موضوع درخواست شفاعت از اولیای الهی، امری روشن بوده و شک و تردید در آن راه ندارد.

در این درس تلاش خواهد شد تا ضمن بررسی استدلالی موضوع شفاعت به نقدهای موجود پرداخته و حد و مزرهای آن را با تکیه بر آیات و روایات تبیین نماییم.

محتوای آموزشی :

شفاعت چیست؟

حقیقت شفاعت^۱ به معنای «درخواست برداشتن کیفر و مجازات از کسی که مستحق مجازات است» آمده است؛ ولی از جهت مجازی در مورد درخواست رسیدن منافع به شخص نیز به کار می‌رود.^۲

درباره معنای حقیقی آن که درخواست برداشتن کیفر و مجازات از مجرم است، در بین دانشمندان هیچ اختلافی نیست.^۳ برای نمونه شیخ طوسی (ره) می‌گوید: به عقیده ما پیامبر اکرم (ص) مؤمنان را شفاعت می‌کند و خداوند نیز شفاعت ایشان را می‌پذیرد و در نتیجه این شفاعت کیفر و عذاب را از مستحقان آن - که اهل نماز باشند - برمی‌دارد.^۴

^۱ کلمه «شفاعت» از ریشه «شَفَع» به معنی جفت بوده و برگرفته از «ضَمَّ الشَّيْءُ إِلَى مِثْلِهِ» است و نقطه مقابل آن «وَتَرَ» به معنای تک و تنها است سپس به ضمیمه شدن فرد برتر و قویتری برای کمک به فرد ضعیف اطلاق گردیده است و به همین دلیل که شفیع به هنگام درست کردن کار دیگری و شفاعت در مورد او در حقیقت خود را رفیق او قرار می‌دهد به او «شَفِيع» و به کارش «شفاعت» گفته‌اند.

^۲ با دقت در معنی لغوی و اصطلاحی شفاعت در می‌یابیم که: در معنای لغوی شفاعت، علاوه بر میانجیگری جهت برداشتن کیفر، میانجیگری جهت افزایش پاداش نیز بیان شده است؛ اما در معنای اصطلاحی شفاعت، شفاعت کردن تنها برای برداشتن کیفر است.

^۳ بین علمای اسلام در مسئله شفاعت و بیان حقیقت و ثبوت آن سخن بسیار است. منشأ اختلاف آراء ظاهر بعضی آیات قرآن است یعنی ظاهر بعضی آیات در بادی نظر دلالت بر عدم ثبوت شفاعت دارد، مانند این آیه: «وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُوقَدُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ» (۴۸/۲)؛ بترسید از روزی که کفایت نکند کس از کس شیئی و نپذیرند از او شفاعتی و نگیرند از او فدیة و نه ایشان را یاری کنند (تفسیر ابوالفتح ج ۱ ص ۱۶۱) و گاهی ظاهر معنی دلالت بر ثبوت شفاعت دارد چنانکه در این آیات: «يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا» (قرآن ۱۰۹/۲۰)؛ این روز سود ندهد شفاعت مگر آنرا که خدا اذن دهد و گفتارش را بپسندد. (تفسیر ابوالفتح ج ۷ ص ۴۲)

^۴ شرایط شفاعت شونده:

با توجه به اینکه شفاعت به معنای صحیح قیود و شرائط فراوانی در چند جهت دارد، کسانی که به این اصل معتقدند برای اینکه مشمول آن شوند ناگزیرند شرایط آن را فراهم کنند، شرائطی همچون؛

- از گناهان سنگین همانند حق‌الناس و ظلم که امید شفاعت را به صفر می‌رساند بپرهیزند.
- برنامه خود را در یک دگرگونی عمیق و همه جانبه در وضع خویش شروع کنند.
- برای رسیدن به مقام «ارتضاء» از گناه توبه کنند و یا حداقل در آستانه توبه قرار گیرند.
- خلافتکاری و شکستن سد قوانین الهی را متوقف سازند و یا لااقل تقلیل دهند.
- ایمان به خدا، رسولش و آخرت را در خود زنده نگه دارند.
- سبک‌شمردن نماز یکی از شروط مهم در دستیابی به شفاعت است.
- همچنین باید میان شفیع و شفاعت شونده رابطه‌ای بوده و شفاعت شونده زمینه شفاعت را در دنیا (با برقراری پیوند میان خود و شفیع، اقتباس از صفات او، ایجاد یک نوع سنخیت - هر چند ضعیف -) بین خود و او برقرار سازد، برای رسیدن به نتیجه اینگونه آمادگیها لازم است. کسی که امام حسین و امام علی (علیهما السلام) را نمی‌شناسد و از آنها تبعیتی ندارد، چگونه می‌تواند از شفاعت آنها بهره‌مند شود؟

برگرفته از کتابهای: تفسیر نمونه، تفسیر مجمع‌البیان و تفسیر نسیم حیات

به نظر ما ، خداوند امتیاز شفاعت را به پیامبر اکرم(ص) ، بسیاری از اصحاب ایشان ، ائمه معصومان (علیهم السلام) و بسیاری از مؤمنان صالح عنایت فرموده است.^۱

ابو حفص نسفی (ت ۵۳۸ هـ) از دانشمندان اهل سنت نیز در این باره می نویسد :

امتیاز شفاعت خواهی درباره کسانی که اهل گناه کبیره هستند برای پیامبران و بندگان خوب خدا به واسطه روایات بسیاری، ثابت است.^۲

مسلمانان و اعتقاد به شفاعت

بنابر تحقیقی که انجام یافته همه مسلمانان به مسئله شفاعت اعتقاد دارند . در این باره به دو دیدگاه اشاره می کنیم.

۱. قاضی عیاض می گوید :

اهل سنت شفاعت را از نظر عقلی جایز و از نظر شرعی واجب می دانند و دلیلی که بیان گر وجوب آن است، آیه شریفه ای است که می فرماید :

« یومئذ لا تنفع الشفاعة إلا من أذن له الرحمن و رضی له قولا »^۳

در آن روز شفاعت به کسی سود نبخشد ، مگر کسی که خدای رحمان به او اجازه داده و به گفتارش راضی است . در آیه دیگر می فرماید :

« و لا یشفعون إلا لمن ارتضی »^۴

و آنان جز برای کسی که خدا رضایت دهد ، شفاعت نمی کنند.^۵

البته آیات دیگری نیز بر وجوب شفاعت دلالت دارند. از طرفی روایات بسیاری و در حد تواتر از پیامبر خدا (ص) نقل شده که آن حضرت در روز قیامت برای مؤمنان گناه کار شفاعت می کنند و تمام علمای اهل سنت از آغاز تا به امروز بر صحّت آنها اتفاق نظر دارند.^۶

۲. ناصرالدین مالکی در این زمینه می گوید :

کسی که شفاعت را انکار کند شایسته است مشمول شفاعت نشود ؛ ولی کسی که همانند اهل سنت به شفاعت ایمان دارد و آن را تصدیق می کند به رحمت خداوند امید دارد و معتقد است که شفاعت در مورد مؤمنان گناه کار است . . . چنانچه پیامبر خدا(ص) فرمود :

^۱ تفسیر تبیان : ص ۲۱۳.

^۲ العقائد النسفیّه : ص ۱۴۸.

^۳ سوره طه : آیه ۱۰۹.

^۴ سوره انبیاء : آیه ۲۸.

^۵ در کتاب کافی از امام صادق(ع) در نامه ای که به تمامی اصحابش نوشت چنین نقل شده :

« من سره ان ینفعه شفاعه الشافعیین عندالله فلیطلب الی الله ان یرضی عنه »

لحن این روایت نشان می دهد که برای اصلاح اشتباهاتی که در زمینه شفاعت برای بعضی یاران امام(ع) خصوصا و جمعی از مسلمانان عموماً رخ داده است صادر شده و با صراحت شفاعت های تشویق کننده به گناه در آن نفی شده است و می گوید : هر کس دوست دارد مشمول شفاعت گردد باید خشنودی خدا را جلب کند» (بحارالانوار چاپ قدیم ، جلد ۳ ، ص ۳۰۴)

^۶ شرح صحیح مسلم نووی : ج ۳ ، ص ۳۵ ، باب اثبات الشفاعه و اخراج الموحدین من النار .

« من شفاعتم را برای افرادی از امتم که مرتکب گناه کبیره شده‌اند^۱ نگه داشته‌ام »^۲

اقسام شفاعت

با توجه به گستره شفاعت ، می‌توان آن را به چند بخش تقسیم کرد.

۱. شفاعت در روز قیامت

این قسم از شفاعت همان واسطه شدن پیامبران ، امامان ، شهدا و صالحان در روز رستاخیز بین خدا و خلق او هستند که بدین وسیله گناهان مؤمنان بخشیده می‌شود . همه مسلمانان این قسم از شفاعت را قبول دارند ، حتی فرقه وهابی‌ها نیز آن را پذیرفته‌اند.

۲. طلب شفاعت در همین دنیا

در این قسم از شفاعت ما در همین دنیا از پیامبران ، امامان و اولیای الهی درخواست می‌کنیم که ما را در جهان آخرت شفاعت کنند . این قسم از شفاعت نیز مورد پذیرش همه مسلمانان است ؛ ولی وهابی‌ها آن را شرک می‌دانند.

قسم نخست از شفاعت را از دو طریق می‌توان اثبات نمود :

از دیدگاه آیات

در آیه‌ای از قرآن کریم می‌خوانیم :

« و من اللیل فتهجد به نافله لک عسی ان یبعثک ربک مقاما محمودا »^۳

و پاسی از شب را زنده بدار ، تا برای تو به منزله نافله‌ای باشد . امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند.^۴

^۱ در تفسیر «برهان» از امام کاظم(ع) از حضرت علی(ع) نقل شده که می‌فرماید : از پیامبر اکرم(ص) شنیدم « شفاعتی لاهل الکبائر من امتی . . . » : « شفاعت من برای مرتکبین گناهان کبیره از امتم است . . . » راوی حدیث که ابن ابی عمیر است می‌گوید : از امام کاظم(ع) پرسیدم چگونه برای مرتکبان گناهان کبیره شفاعت ممکن است در حالی که خداوند می‌فرماید : « و لا یشفعون الا لمن ارتضی » مسلّم است کسی مرتکب گناهان کبیره شود مورد ارتضاء و خشنودی خداوند نیست !

امام کاظم(ع) در پاسخ فرمود : « هر فرد با ایمانی که مرتکب گناهی می‌شود طبعاً پشیمان خواهد شد و پیامبر(ص) هم فرمود پشیمانی از گناه توبه است . . . و کسی که پشیمان نگردد مؤمن واقعی نیست و شفاعت برای او نخواهد بود و عمل او «ظلم» است ، همینطور خداوند می‌فرماید ظالمان دوست و شفاعت‌کننده‌ای ندارند (تفسیر برهان ، جلد ۳ ، ص ۵۷)

مضمون صدر حدیث این است که شفاعت شامل مرتکبان گناهان کبیره می‌شود ولی ذیل حدیث روشن می‌کند که شرط اصلی پذیرش شفاعت واجد بودن ایمانی است که مجرم را به مرحله ندامت ، خودسازی و جبران برساند و از ظلم ، طغیان و قانون شکنی برهاند .

^۲ الانتصاف فیما تضمنه الکشاف من العتزال ، چاپ شده در پاورقی کشف ج ۱ ، ص ۳۱۴ .

^۳ سوره اسراء : آیه ۷۹ .

^۴ ترک نماز جزء آن چیزهایی است که پیامبر(ص) ما درباره آن می‌فرمایند :

لا ینال شفاعتی من استخف یصلاته و لا یرد علی الحوض لا والله :

کسی که نماز را سبک بشمارد به شفاعت من دست نیابد و به خدا سوگند که در کنار حوض [کوثر] بر من وارد نشود.

مفسران در ذیل این آیه می‌گویند: منظور از «مقام محمود» همان مقام شفاعت است.
در آیه دیگر آمده است:

« و لسوف يعطيك ربك فترضى »

و به زودی پروردگارت تو را عطایی خواهد داد تا خرسند گردی.

از دیدگاه روایات

آن سان که گفتیم روایات بسیاری درباره شفاعت آمده است که فقط به دو نمونه بسنده می‌نماییم.

حدیث یکم: پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

« أعطيت خمساً . . . و أعطيت الشفاعة ، فأذخرتها لأمتي لمن لا يشرك بالله شيئاً »^۱؛

خداوند به من پنج امتیاز داده است . . . یکی از آن‌ها شفاعت است و آن را برای امت خود نگه داشته‌ام.

حدیث دوم: در حدیث دیگری پیامبر خدا (ص) می‌فرماید:

أنا أول شافع وأول مشفع^۲؛

من نخستین کسی هستم که شفاعت می‌کند و نخستین کسی هستم که شفاعت او پذیرفته می‌شود.

از دیدگاه علمای اسلام

دانشمندان دینی دیدگاه‌های خود را درباره شفاعت این گونه مطرح کرده‌اند:

۱. شیخ مفید (ره) می‌فرماید:

شیعه - اثنا عشریه - اتفاق نظر دارند که رسول خدا (ص) در روز قیامت گروهی از کسانی را که مرتکب گناه کبیره شده‌اند، شفاعت می‌کند.

امیر مؤمنان علی (ع) و دیگر امامان معصوم و پاک (علیهم السلام) نیز در آن روز گناهکاران را شفاعت می‌کنند و به شفاعت آنان بسیاری از گناهکاران نجات می‌یابند.^۳

۲. علامه مجلسی (ره) در این باره می‌نویسد:

همه مسلمانان اتفاق نظر دارند که شفاعت از ضروریات دین است؛ به این معنا که پیامبر خدا (ص) نه تنها امت خود؛ بلکه امت‌های دیگر را نیز در روز رستاخیز شفاعت خواهد کرد.^۴

از اینکه پیامبر (ص) کسی را که مرتکب گناه کبیره شده شفاعت می‌کند ولی سبک شمارنده نماز را شفاعت نمی‌کند، معلوم می‌شود که سبک شمردن نماز از سایر گناهان کبیره‌ای که مورد شفاعت پیامبر و ائمه (علیهم السلام) قرار می‌گیرند بزرگتر و آثار آن برای انسان، خطرناک‌تر است و شاید بتوان گفت با توجه به فرمایش پیامبر اکرم (ص) که رحمة للعالمین است، سبک شمردن نماز از بزرگترین منکرات است.

^۱ مسند احمد: ج ۱، ص ۳۰۱؛ سنن نسائی: ج ۱، ص ۲۱۱.

^۲ سنن ترمذی: ج ۵، ص ۲۴۸، باب ۲۲، حدیث ۳۶۹۵.

^۳ اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات: ص ۲۹. در این منبع چنین آمده است: «اتفقت الإمامية علی أن رسول الله (ص) يشفع يوم القيامة لجماعة من مرتكبي الكبائر من أمته، و أن أمير المؤمنين (ع) يشفع في أصحاب الذنوب من شيعته، و أن أئمة آل محمد (ص) كذلك. و ينجي الله بشفاعتهم كثيرا من الخاطئين.»

^۴ بحارالانوار: ج ۸، ص ۲۹ تا ۶۳.

۳. فخر رازی می‌گوید :

بنابر اجماع و اتفاق نظر امت اسلام، پیامبر خدا(ص) در روز قیامت حق شفاعت دارد و این دو آیه را که می‌فرماید:

« عسی ان یبعثک ربک مقاماً محموداً »^۱ و « و لسوف یعطیک ربک فترضی »^۲ بر همین معنا حمل کرده‌اند.^۳

۴. ابوبکر کلاباذی (م ۳۸۰ هـ) درباره شفاعت می‌گوید : عالمان اجماع و اتفاق نظر دارند که اقرار به تمام آن چه که خدا و رسول او درباره شفاعت گفته‌اند ، واجب است. دلیل این وجوب ، آیه‌ای است که خداوند متعال می‌فرماید : « و به زودی پروردگارت تو را عطایی خواهد داد تا خرسند شوی » . . .^۴

گفتنی است که ابن تیمیه و ابن عبدالوهاب نیز به این قسم از شفاعت اعتراف کرده‌اند و نمی‌توانند آن را منکر شوند.^۵

شفاعت در دنیا

برای درخواست شفاعت در همین دنیا از پیامبران ، ائمه طاهرین و صالحان روایات فراوانی در تأیید و جواز آن از پیامبر اکرم(ص) رسیده است که جای هیچ تأمل و شبهه‌ای را باقی نمی‌گذارد ؛ چرا که طلب شفاعت از پیامبر خدا(ص) چه پیش از حیات و تولد آن حضرت و چه در دوران حیات و چه بعد از وفاتش اتفاق افتاده و پیامبر اکرم(ص) به آن صحه گذاشته و تأیید کرده‌اند و یا صحابه پیامبر اکرم(ص) پس از آن حضرت این‌گونه طلب شفاعت را انجام داده و یا در حضورشان انجام شده است و هرگز آن را رد نکرده‌اند. اینک به سه نمونه از این شفاعت اشاره می‌کنیم.^۶

درخواست شفاعت قبل از تولد پیامبر(ص)

^۱ سوره ضحی : آیه ۵.

^۲ سوره اسراء : آیه ۷۹.

^۳ مفاتیح الغیب : ج ۳ ، ص ۵۵. در این منبع آمده است : « أجمعت الأمة علی أن لمحمد(ص) شفاعة فی الآخرة و حمل علی ذلك قوله تعالی : « عسی ان یبعثک ربک مقاماً محموداً » أو قوله تعالی : « و لسوف یعطیک ربک فترضی » .

^۴ لتعرف مذهب أهل التصوف : ص ۵۴ ، تحقیق عبدالحلیم محمود . در این منبع چنین آمده است : « ان العلماء قد أجمعوا علی أن الاقرار بجملة ما ذکر الله سبحانه و جاءت به الروایات عن النبی(ص) فی الشفاعة واجب ، لقوله تعالی : « و لسوف یعطیک » و قال النبی(ص) : « شفاعتی لأهل الکبائر من امتی »

^۵ مجموعة الرسائل الكبرى : ص ۴۰۳ ؛ الهدية السنبة الرسالة الثانية : ص ۴۲.

^۶ انواع شفاعت : صاحب کتاب محاضرات فی الالهیات شفاعت را به دو نوع تقسیم می‌کند. مطلق و محدود . شفاعت مطلق بدین معناست که ؛ گناهکار در دنیا هر عملی را مرتکب شده و در قیامت ، خواستار شفاعت شافعان می‌شود ؛ این نوع از شفاعت در منطق عقل و وحی ، رد شده است. در نقطه مقابل شفاعت مطلق، شفاعت محدود قرار دارد که ، برای پذیرش آن ، شروطی مقرر شده است مانند : ۱. اجازه پروردگار به شفاعت . ۲. ایمان شفاعت شونده به خدا و پیامبران و روز رستاخیز و آنچه خدا بر پیامبرانش نازل فرموده است که این ایمان را تا پایان عمر حفظ کند. این نوع از شفاعت ، در عقل و وحی ، پسندیده است . در واقع ، بیان انواع شفاعت ، به معترضین شفاعت که معتقدند : این مسأله باعث جرأت در گناهکاران و مجرمین می‌شود ، بدین صورت پاسخ می‌دهد که : جرأت بر گناه لازمه شفاعت مطلق است که رد شده نه شفاعت محدود که مورد پذیرش است.

در تاریخ معتبر نقل شده که تبع بن حسان حمیری هزار سال پیش از تولد پیامبر اکرم(ص) در نامه‌ای از پیامبر تقاضای شفاعت کرد. وقتی پیامبر نامه را دریافت نمود، او را تأیید کرد و این‌گونه فرمود: «مرحباً بتبع الأخ الصالح».

این تعبیر حاکی از قبول، رضایت و تأیید چنین درخواست شفاعتی است. اصل این جریان را ابن اسحاق معاصر امام جعفر صادق(ع) در کتاب «المبدأ و قصص الأنبياء» نقل می‌کند و حلبی (متوفای ۱۰۴۴) در «السيرة الحلییه» آن را از ابن اسحاق نقل می‌کند.

در نامه تبع بن حسان برای پیامبر چنین آمده است:

ای محمد! من به تو و به پروردگار تو که تمامی اشیاء مخلوق و تحت ید و قدرت او هستند و به تمامی دستوراتی که از طرف خداوند به تو ابلاغ شده، ایمان آوردم و به این مطالب اقرار می‌کنم. پس اگر روزی (زنده بودم و) دوران رسالت تو را درک کردم چه بهتر و اگر دوران رسالت تو را درک نکردم، از تو می‌خواهم که مرا در روز قیامت شفاعت کنی و مرا در آن روز فراموش نکنی.

ابن اسحاق در ادامه می‌نویسد: دانشمندی از فرزندان ابی لیلی این نامه را به هنگام مهاجرت پیامبر خدا(ص) به مدینه، در بین راه به دست آن حضرت رساند. حضرت پس از قرائت نامه سه بار فرمود: «مرحباً بتبع الأخ الصالح؛ آفرین به تبع، برادر صالح و شایسته ما».

حلبی می‌افزاید: فاصله زمانی نگارش این نامه که توسط تبع نوشته شده تا زمان تولد پیامبر(ص) هزار سال بوده است.^۱

اکنون این پرسش مطرح است که اگر طلب شفاعت در دنیا شرک بود چگونه پیامبر اکرم(ص) کار شرک‌آلود (!) تبع را تأیید می‌نماید و از او به عنوان برادر تعبیر می‌کند؟! آیا پیامبر شخصی را که مشرک است (!) برادر خطاب می‌کند؟! می‌کند؟!!

^۱ السيرة الحلییه: ج ۲، ص ۲۷۹ در این منبع آمده است:

«أما بعد یا محمد! فإني أمنت بك و برّيك و ربّ كلّ شيء و بكلّ ما جاءك من ربّك من شرائع الإسلام و الإيمان و إنّي قلت ذلك، فإن أدركتک فيها، و إن لم أدركك فاشفع لي يوم القيامة و لا تنسى...»

و کتب عنوان الكتاب إلى محمد بن عبدالله خاتم النبيّين و المرسلين و رسول ربّ العالمين، من تبع الأوّل حمير أمانة الله في يد من وقع هذا الكتاب في يده إلى أن يدفعه إلى صاحبه و دفعه إلى رأس العلماء المذكورين...

ثمّ وصل الكتاب المذكور إلى النبيّ(ص) على يد بعض ولد العالم المذكور حين هاجر و هو بين مكّة و المدينة... و بعد قراءة الكتاب عليه(ع) قال: «مرحباً بتبع الأخ الصالح، ثلاث مرّات».

و كان بين تبع هذا أي بين قوله «إنّه آمن به و على دينه» و بين مولد النبيّ(ص) ألف سنة».

چکیده :

۱. حقیقت شفاعت به معنای درخواست برداشتن کیفر و مجازات از کسی که مستحق مجازات است می‌باشد.
۲. شفاعت در معنای مجازی خود به معنای درخواست رسیدن منافع به شخص به کار می‌رود.
۳. شفاعت در قیامت به معنای واسطه شدن پیامبران، امامان، شهداء، و صالحان بین خدا و خلق او برای آمرزش گناهان مؤمنان می‌باشد.
۴. طلب شفاعت در دنیا به این معناست که ما در همین نیاز از اولیاء الهی در خواست کنیم که ما را در آخرت شفاعت کنند.
۵. شفاعت در قیامت مورد قبول همه مسلمانان است ولی طلب شفاعت در دنیا مورد انکار وهابیون است.
۶. مفسران آیه ۷۹ سوره اسراء و ۵ ضحی را به مقام شفاعت پیامبر تفسیر کرده‌اند.
۷. از جمله روایاتی که دلالت بر شفاعت می‌کند عبارتند از :
 ۱. پیامبر اکرم می‌فرماید : أعطیت خمساً . . . و أعطیت الشفاعة ، فأذخرتها لامتی لمن لا یشرك بالله شیئاً
 ۲. در حدیث دیگر از پیامبر(ص) آمده : أنا أوّل شافع و اول مشفع